



University of Tehran Press

Comparative Law Review

Homepage: <https://jcl.ut.ac.ir>


Online ISSN: 2423-3404

Volume: 14, Issue: 2
Autumn & Winter
2023-2024

A comparative study of "civil liability caused by asbestos" in French and American law; Providing models to solve the shortcomings of Iranian law

Mohammad Hadi Javaherkalam^{1✉} | Mohsen Alijani²

1. Corresponding Author; Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: Javaherkalam@atu.ac.ir
2. Faculty of Law and Political Science, shahid chamran university of Ahvaz, Ahvaz, Iran. Email: M.alijani@scu.ac.ir

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <hr/> <p>Received: 2023/03/10</p> <p>Received in revised form: 2023/07/15</p> <p>Accepted: 2023/07/23</p> <p>Published online: 2023/12/22</p> <hr/> <p>Keywords: <i>Civil Liability Caused by Asbestos, Compensation Fund, Fault, Presumed Causality, Strict Liability.</i></p>	<p>In this article, the civil liability caused by asbestos has been studied comparatively in French and American law, to provide models to solve the shortcomings of Iranian law, with a descriptive-analytical research method. The main question was about the bases and elements of the responsibility caused by asbestos and the effective solutions to support asbestos victims. The result was that in terms of the basis of responsibility, in American law, the responsibility is based on strict liability. French law bases the responsibility on the system of employer's responsibility towards the employee, and by establishing the safety obligation of the type of obligation of result and the unforgivable fault of the employer and the assumption of his knowledge, only force majeure is excluded. In terms of the conditions and elements of civil liability, both countries have supported asbestos victims by developing the concept and scope of compensable damages and the assumed relationship of responsibility. In order to guarantee and speed up the payment of damages, in French law, a "special compensation system for asbestos victims" has been established and by creating an independent fund, the cases of reference to the fund and the amount of damages that can be compensated by the fund, with certain mechanisms, has been established. American law has also taken the same steps. It is suggested that our legislators should establish a special compensation system for asbestos victims by leaving aside fault as the basis of responsibility and facilitating the proof of causation.</p>
How To Cite	Javaherkalam, Mohammad Hadi; Alijani, Mohsen (2023) A comparative study of "civil liability caused by asbestos" in French and American law; Providing models to solve the shortcomings of Iranian law. <i>Comparative Law Review</i> , 14 (2), 705-726. DOI: https://doi.com/10.22059/JCL.2023.356480.634479
DOI	10.22059/JCL.2023.356480.634479
Publisher	The University of Tehran Press. 



مطالعه تطبیقی «مسئولیت مدنی ناشی از آزیست» در حقوق فرانسه و امریکا؛ ارائه الگوهایی برای رفع کاستی‌های حقوق ایران

محمدهادی جواهر کلام^۱ | محسن علیجانی^۲

۱. نویسنده مسئول؛ گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

رایانامه: Javaherkalam@atu.ac.ir

۲. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. رایانامه: M.alijani@scu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۹</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۴/۲۴</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: تقصیر، رابطه سببیت مفروض، صندوق جبران خسارت، مسئولیت محض، مسئولیت مدنی ناشی از آزیست.</p>	<p>در این مقاله، مسئولیت مدنی ناشی از آزیست به صورت تطبیقی در حقوق فرانسه و امریکا، با هدف ارائه الگوهایی برای رفع کاستی‌های حقوق ایران و با روش توصیفی-تحلیلی مطالعه شده است. پرسش اصلی این بود که در نظام‌های مورد مطالعه، مبانی و ارکان مسئولیت ناشی از آزیست چیست و چه راهکارهای مؤثری برای حمایت از قربانیان آزیست و جبران خسارت آنان پیش‌بینی شده است. پس از مطالعه تطبیقی، این نتیجه به دست آمد که در حقوق امریکا مسئولیت ناشی از آزیست مبتنی بر مسئولیت محض است، اما در حقوق فرانسه این مسئولیت بر نظام مسئولیت کارفرما در برابر کارگر استوار گشته، با تأسیس تعهد ایمنی از نوع تعهد به نتیجه و تقصیر نابخشودنی کارفرما و فرض اطلاع وی، تنها در صورت وقوع قوه قاهره، کارفرما از مسئولیت معاف خواهد بود. از حیث ارکان مسئولیت مدنی نیز با وجود پاره‌ای تفاوت‌ها، هر دو کشور با توسعه مفهوم و قلمرو خسارت‌های قابل جبران و رابطه سببیت مفروض، به حمایت از زیان‌دیدگان آزیست شتافته‌اند. به علاوه، برای تضمین و تسریع در پرداخت خسارت زیان‌دیدگان در حقوق فرانسه «نظام خاص جبران خسارت قربانیان آزیست» تأسیس شده و با ایجاد صندوقی مستقل و دارای بودجه و ساختاری مشخص، موارد رجوع به صندوق و میزان خسارت قابل جبران از سوی صندوق با سازوکارهای معین، مقرر گشته است. حقوق امریکا نیز در همین راستا گام برداشته است. از این رو، پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار ما هم با کنار گذاشتن تقصیر به عنوان مبنای مسئولیت و تسهیل در اثبات رابطه سببیت، نظام خاص جبران خسارت زیان‌دیدگان آزیست را تأسیس نماید.</p>
<p>استناد جواهر کلام، محمدهادی؛ علیجانی، محسن (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی «مسئولیت مدنی ناشی از آزیست» در حقوق فرانسه و امریکا؛ ارائه الگوهایی برای رفع کاستی‌های حقوق ایران. <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i>، ۱۴ (۲)، ۷۰۵-۷۲۶. DOI: https://doi.com/10.22059/JCL.2023.356480.634479</p>	
DOI	10.22059/JCL.2023.356480.634479
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

الف) مفهوم، کاربرد و خطرهای آزیست. آزیست ماده‌ای است نرم و نسوز، سفید رنگ و متمایل به خاکستری که به‌ویژه در گذشته برای محافظت در برابر آتش و به‌عنوان نوعی عایق استفاده می‌شد (<https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/asbestos>: جواهرکلام، ۱۴۰۱: ۸۵۰). از این ماده، افزون بر صنایع ساختمانی (سیمان، آجر، لوله‌ها، کف‌پوش، نودان و...)، در صنایع نساجی و صنایع اتومبیل‌سازی (مانند کلاچ و لت ترمز) و نیز ساخت دزدگیرهای آزیستی، کاغذها و تخته‌های آزیستی، پلاستیک‌ها و غیره استفاده می‌شود. با وجود این، سال‌هاست که این ماده به‌عنوان ترسناک‌ترین ماده صنعتی شناخته شده است و قرار گرفتن در معرض آن، سبب بروز بیماری‌های حاد می‌شود. در حقیقت، ذرات نامرئی آزیست از طریق تنفس به اعماق شش نفوذ کرده، برای همیشه در آن باقی می‌ماند و با گذشت زمان با تحرکات خود سبب بیماری «آزیستوز» (Asbestosis)،^۱ «مزوتلیوما» یا سرطان کشنده ریه^۲ (Mesothelioma) و بیماری‌های دیگری می‌شود. ضرر آزیست بر سلامتی و چگونگی ظهور و تشخیص آن به‌طور دقیق از سال ۱۹۶۰ به بعد ثابت شد. استشمام فیبرهای آزیست معمولاً به صورت بیماری تنفسی کشنده ظاهر می‌شود؛ هرچند که بیماری یادشده می‌تواند پس از دوره طولانی نهفتگی، حتی به مدت ۳۰ تا ۴۰ سال بعد، بروز نماید (Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016: 800 et 836).

ب) پیشینه مسئولیت ناشی از آزیست. در اوایل دهه ۱۹۲۰ پزشکان دریافتند که قرار گرفتن در معرض آزیست سبب بیماری می‌شود. بیماری آزیستوز در مجله پزشکی بریتانیا نام‌گذاری و تشریح شد. هم‌زمان شرکت‌های بیمه در آمریکا و کانادا از فروش بیمه عمر به کارگران در معرض آزیست خودداری کردند. در سال ۱۹۳۱ دولت بریتانیا به مقررات‌گذاری در زمینه ایجاد امنیت در مکان‌های کار در معرض آزیست، واریسی کارگران در معرض آزیستوز و جبران خسارت کسانی که از این طریق ناتوان شده بودند پرداخت. با وجود اینکه در ابتدای دهه ۱۹۳۰ جایگزین‌های امن‌تری برای آزیست شناسایی شد، مصرف آزیست در ایالات متحده آمریکا از ۱۰۰ هزار تن در سال ۱۹۳۲ به ۷۰۰ هزار تن در سال ۱۹۵۱ و در اوج خود به ۷۵۰ هزار تن در سال ۱۹۷۴ رسید. اما بعد از آن، استفاده از این ماده به‌سرعت کاهش یافت و در سال ۱۹۹۴ به ۲۵ هزار تن رسید. استفاده از آزیست از دهه ۱۹۵۰ تا دهه ۱۹۸۰ نشان‌دهنده این بود که سیستم مقررات‌گذاری چندگانه، شامل جبران خسارت کارگر، مقررات امنیت محل کار، مقررات ایمنی محصولات و مسئولیت مدنی، با شکست مواجه شده است (White, 2004: 184). در کشور آمریکا، نخستین دعوایی که

۱. بیماری مزمن ریوی که از استنشاق نوعی پنبه نسوز یا تنفس فیبرهای آزیست ایجاد می‌شود (ژوردن، ۱۳۸۵: ۴۹). در واقع، آزیستوز، زخم ریه است که باعث کاهش توانایی تنفس می‌شود و دامنه اثر آن می‌تواند از معلولیت تا فوت باشد.

۲. مزوتلیوما، سرطانی است که اطراف شکم و قفسه سینه را درگیر کرده، به‌سرعت باعث فوت شخص می‌شود.

در آن، مصرف‌کننده محصولات آزبست که کارگر نصاب عایق بود، توانست خسارت زیادی از تولیدکننده آزبست دریافت کند، پرونده *بارل علیه فیبر بورد (Borel V. Fibreboard Paper Products Corp)* در سال ۱۹۷۳ بود (White, 2004: 185). در پی آن و تا پایان سال ۲۰۰۲، ۷۳۰ هزار نفر دعوی حقوقی علیه بیش از ۸۴۰۰ خوانده طرح نمودند (Carroll et AL, 2005: 71). پیش‌بینی شده است که در ایالات متحده امریکا، آزبست در طول چندین دهه، بیش از ۱۰۰ هزار کشته به بار خواهد آورد.

در کشور فرانسه نیز حکم صادره در مارس ۱۹۷۸ عمل انباشتن و «فلوکینگ» فیبرهای آزبستی (قرار دادن چندین لایه از فیبرهای آزبست) را ممنوع کرد، اما این محدودیت هیچ راه‌حلی را برای مشکل سلامت عمومی ایجادشده از سوی کارخانه‌های بی‌شمار، انبارها، ادارات، مدارس، دانشگاه‌ها و حتی بیمارستان‌ها ارائه نکرد. درحالی که فلوکینگ استفاده‌شده در آنها با گذشت زمان فرسوده می‌شود و ده‌ها هزار نفر را در معرض آلودگی آرام قرار می‌دهد. دعوی مربوط به مطالبه خسارت ناشی از آزبست، به‌ویژه در سال ۱۹۹۴ در قضیه دبیرستان حرفه‌ای «ژرارمر» نمایان شد که شش معلم در اثر سرطان ریه فوت کردند؛ درحالی که در کارگاهی با سقفی پوشیده از آزبست فعالیت می‌کردند. برای مقابله با آزبست، انجمنی با عنوان انجمن ملی قربانیان آزبست (آندوا) در فوریه ۱۹۹۶ تأسیس شد. گزارش هفتگی وزیر بهداشت در مارس ۱۹۹۶ هشدار مهمی را منتشر کرد که بر اساس آن، سرطان‌های مرتبط با آزبست طی سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۰، ۲۵ درصد افزایش یافته بود. به این ترتیب، ۳۵ هزار نفر به دلیل تبعات خطرهای مرتبط با آزبست بین سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۹۵ فوت کردند. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که در آینده، به‌ترتیب از دو هزار تا سه هزار فوت (تا ۱۰۰ هزار فوت تا سال ۲۰۵۰) در اثر آزبست رخ خواهد داد. بر این اساس، حکم شماره ۹۶-۱۱۳۳ مورخ ۲۴ دسامبر ۱۹۹۹، اصل ممنوعیت نسبی آزبست در فرانسه را اجرا کرد؛ هرچند برخی استثناها را درباره مواد غیرقابل جایگزین پذیرفت. به این ترتیب، پس از آلمان، ایتالیا، دانمارک، سوئد، هلند، نروژ و سوئیس، فرانسه هشتمین کشور اروپایی بود که آزبست را در فهرست ممنوعه قرار داد. به‌علاوه، ماده ال-۱۳۳۴-۱۵ قانون سلامت عمومی، مالکان ساختمان‌های ساخته‌شده قبل از سال ۱۹۸۰ را ملزم به تحقیق در مورد وجود آزبست در ساختمان‌های خود نمود (Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016: 809).

همچنین، دستورالعمل اتحادیه اروپا به شماره ۱۷/۱۹۹۹ مورخ ۲۶ ژوئیه ۱۹۹۹، تجاری‌سازی و صنعتی کردن فیبرهای آزبست را در اتحادیه اروپا ممنوع اعلام کرد. این دستورالعمل از تاریخ اول ژانویه ۲۰۰۵ در تمام کشورهایی که هنوز مصرف‌کننده این ماده سرطان‌زا بودند، به‌اجرا درآمد (Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016: 801-8012).

ج) چالش‌های بنیادین مربوط به مسئولیت ناشی از آزبست. مقابله با خطرهای آزبست و شناسایی مسئولیت مدنی ناشی از این ماده خطرناک و زیان‌بار در حقوق غرب که به‌تدریج به سمت تأسیس نظام خاصی برای جبران خسارت‌های ناشی از آزبست پیش رفت، عمدتاً به دو دلیل صورت گرفت:

- نخستین عامل، بیماری‌های خطرناک و متعددی است که از آزیست ناشی می‌شود و حیات و سلامتی انسان را شدیداً به مخاطره می‌اندازد؛ به‌طور خاص، دو بیماری آزیستوز و سرطان کشنده ریه که منحصراً از آزیست تولید می‌شوند. سایر بیماری‌های ناشی از آزیست، مانند سرطان ریه، سرطان دستگاه گوارش، ضخیم شدن پوشش پلور (فضای بین ریه‌ها و حفره قفسه سینه) به صورت فلج‌کننده، می‌تواند ناشی از قرار گرفتن در معرض آزیست یا عوامل دیگری مانند استعمال دخانیات باشد (White, 2004: 183). نکته حائز اهمیت اینکه بیماری‌های ناشی از آزیست دارای یک دوره پنهانی طولانی‌مدت هستند؛ به‌گونه‌ای که بین قرار گرفتن در معرض آزیست و بروز و تشخیص بیماری می‌تواند حدود ۲۰ تا ۴۰ سال فاصله بیفتد. البته هرچه مدت قرار گرفتن در معرض آزیست طولانی‌تر و عمیق‌تر باشد، احتمال گسترش بیماری آزیستی بیشتر می‌شود. با وجود این، بیماری یادشده می‌تواند با قرار گرفتن به صورت محدود در معرض آزیست نیز ایجاد شود. در خصوص آثار مخرب آزیست، تحقیق معروفی در مورد ۳۷۰ کارگر عضو اتحادیه‌ای که در سال ۱۹۴۲ به کار عایق‌بندی مشغول بودند انجام شد که نشان می‌دهد بین سال‌های ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۸ تعداد ۱۱۳ نفر از کارگران فوت کردند؛ درحالی که مرگ ۶۰ نفر آنها عادی بود، مرگ ۲۸ نفر آنها بر اثر سرطان ریه (۲٫۵ درصد طبیعی) و ۸ نفر به دلیل سرطان دستگاه گوارشی (دو نفر طبیعی است) بود. به‌علاوه، ۱۵ نفر از آنها از آزیست و ۱۳ نفر از سرطان کشنده ریه فوت کردند. همچنین، آزیست می‌تواند سبب بیماری خانواده کارگران، تماشاگران و رهگذرانی شود که در معرض غبار آزیست لباس‌ها یا محیط کار کارگران هستند (White, 2004: 183). بنابراین، لزوم حمایت از سلامتی انسان و مقابله با زیان‌های غیرقابل جبران ناشی از آزیست، سبب گسترش مسئولیت ناشی از آزیست شد.

- دومین عاملی که چالش‌های زیادی را فراروی مسئولیت ناشی از آزیست قرار داد و سبب پیدایش نظام خاص جبران خسارت گردید، دعاوی بسیار ناشی از آزیست و به‌ویژه وجود قربانیان (بیماران) بی‌شمار و عاملان متعدد زیان آن بود. در حقیقت، دعاوی ناشی از آزیست دارای وضعیتی کاملاً منحصربه‌فرد در میان دعاوی دارای قربانیان زیاد است؛ چراکه این ماده در هزاران محصول مورد استفاده قرار می‌گیرد و میلیون‌ها خواهان در دعاوی در معرض آن قرار گرفته‌اند و هزاران تولیدکننده دارای وضعیت مالی مطلوب در این زمینه دارای مسئولیت بالقوه‌اند. این شرایط ویژه سبب شده است به‌محض اینکه دعاوی مسئولیت مدنی شروع شود، از کنترل خارج گردد. این درحالی است که وقوع چنین وضعیتی برای سایر دعاوی غیرمحمول به‌نظر می‌رسد. افزون بر همه اینها، وکلای خواهان‌ها برای اینکه دعوایی مشابه آزیست ترتیب دهند، بسیار تلاش کردند، ولی بی‌نتیجه ماند؛ اما موفقیت آنها در زمینه مطالبه خسارت ناشی از آزیست بسیار چشمگیر بوده است (White, 2004: 203). بنابراین، دعاوی مرتبط با آزیست به‌دلیل شمار بالای خواهان‌ها، نسبت به سایر دعاوی مسئولیت مدنی، غیرقابل کنترل تلقی می‌شود (Behrens and Anderson: 2008: 510). به‌علاوه، در دعاوی ناشی از آزیست، زیان‌دیدگان

(خواهان‌ها) که در معرض آزیست قرار گرفته‌اند، ممکن است ده‌ها نفر را به‌عنوان خواننده (تولیدکننده محصولات آزیستی) قرار دهند. خوانندگان دعاوی آزیست شامل شرکت‌هایی می‌شوند که در فرایند تولید یا محصولات خود از آزیست استفاده نموده باشند یا محصولات آزیستی تولیدی را نصب کرده یا فروخته باشند یا اینکه ساختمانی داشته باشند که در آن از آزیست استفاده شده باشد (White: 2004: 187). افزون بر همه اینها، دعاوی فراوان ناشی از آزیست بر فعالیت شرکت‌ها تأثیرات مخربی داشته است؛ چراکه گسترش دعاوی آزیستی علیه شرکت‌ها در سال‌های اخیر باعث شده است شرکت‌های زیادی در نتیجه مسئولیت مدنی ناشی از آزیست ورشکسته شوند و هزینه‌های گزافی به آنها تحمیل گردد. اخیراً مطالعاتی در امریکا نشان داده است که بین ۵۲ هزار تا ۱۲۸ هزار شغل بر اثر دعاوی آزیستی از بین رفته است. همچنین، در کشوری مثل امریکا که ممکن است حوزه‌های قضایی در ایالت‌های گوناگون رویه‌های متفاوتی داشته باشند، وکلای خواهان‌ها دعاوی آزیستی را در ایالاتی متمرکز می‌نمایند که مطلوب خواهان رأی می‌دهند و این موضوع به‌شدت بر معضلات شرکت‌ها می‌افزاید (White, 2003: 1). وانگهی، در کشور امریکا که حدود ۶۰۰ هزار نفر در معرض آزیست قرار گرفته‌اند، چنانچه هرکدام علیه چند خواننده اقامه‌دعا نمایند، بالغ بر بیست میلیون دعا در این خصوص شکل می‌گیرد. در این صورت، شرکت‌های بیمه‌گر نیز مجبور به پرداخت خسارت‌های هنگفتی در این زمینه می‌شوند که آنها هم ورشکسته خواهند شد (White, 2003: 2).

د) ساختار و قلمرو تحقیق. از مطالب پیش‌گفته، معلوم شد که چالش‌های متعددی فراروی نظام مسئولیت ناشی از آزیست وجود دارد که اقدام نسنجیده و سختگیری یا سهل‌انگاری در این زمینه می‌تواند به فلج شدن اقتصاد کشور یا جبران نشدن خسارت زیان‌دیدگان بینجامد. نکته مهم‌تر اینکه مبنای مسئولیت ناشی از آزیست، نحوه احراز رابطه سببیت بین عمل خواننده و ورود خسارت و انتساب خسارت بدنی زیان‌دیده به آزیست و نحوه جبران خسارت قربانی، از مهم‌ترین چالش‌های مسئولیت مدنی در این حوزه است. از آنجا که در کشور ما هیچ‌گونه ادبیاتی در این حوزه شکل نگرفته، مطالعه دیدگاه حقوق فرانسه (به‌عنوان نماینده بارز نظام حقوقی رومی - ژرمنی) و حقوق امریکا (به‌عنوان نماینده نظام حقوقی کامن‌لا) می‌تواند راهکارهایی را برای رفع کاستی‌های حقوق ایران ارائه نماید.

۲. مبنا و ارکان مسئولیت ناشی از آزیست در حقوق امریکا و فرانسه

شناسایی مسئولیت ناشی از آزیست در حقوق غرب، چالش‌ها و ابهام‌های زیادی را پیرامون مبنا و شرایط مسئولیت پدید آورده است. برای مطالعه دقیق مسئولیت مدنی ناشی از آزیست و پاسخ به دغدغه‌ها و چالش‌های اساسی در این حوزه، ابتدا مبنای مسئولیت مدنی عامل زیان مطرح می‌شود و سپس به ارکان مسئولیت مدنی ناشی از آزیست و تفاوت‌های آن با قواعد عمومی پرداخته می‌شود.

۱.۲. مبنای مسئولیت مدنی ناشی از آزیست در حقوق امریکا و فرانسه

در حقوق امریکا قبل از دهه ۱۹۶۰، تولیدکنندگان تنها در صورت تقصیر یا بی‌احتیاطی^۱ دارای مسئولیت بودند. با وجود این، در عمل این معیار برای جلوگیری از رفتار خطرناک بی‌اثر بود، چراکه زیان‌دیدگان به‌سختی می‌توانستند رفتار خطرناک تولیدکننده را اثبات نمایند. به همین جهت، در دهه ۱۹۶۰ مبنای مسئولیت مدنی تولیدکنندگان تغییر یافت و به‌جای تکیه بر بی‌احتیاطی، به‌سمت مسئولیت محض^۲ پیش رفت. بر اساس رویکرد اخیر، تولیدکنندگان مسئول خسارت واردشده به مصرف‌کنندگان هستند، حتی اگر مرتکب بی‌احتیاطی نشده باشند؛ مشروط بر اینکه محصولات آنها دارای خطر غیرمنطقی باشد یا اینکه هشدار کافی درباره خطرناک بودن آن به مصرف‌کننده داده نشده باشد. این تغییر مهم، پیروزی مصرف‌کنندگان آزیست در برابر تولیدکنندگان را در دعوی حقوقی تسهیل نمود، چون این محصولات به‌شدت خطرناک بودند و به‌ندرت در این خصوص هشدار از طرف تولیدکنندگان داده می‌شد (White: 2004:186). به این ترتیب، مسئولیت مدنی ناشی از آزیست بر مسئولیت محض تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان آزیست در برابر زیان‌دیدگان مستقر گشت.

در حقوق فرانسه به‌جای استوار کردن مسئولیت مدنی ناشی از آزیست بر مسئولیت بدون تقصیر تولیدکنندگان فرآورده‌های معیوب (قانون ۱۹۹۸)، حمایت از قربانیان آزیست در قالب مسئولیت کارفرما توجیه می‌شود و آن را تخطی از تکلیف کارفرما به تأمین ایمنی محیط کار می‌دانند (Miyamoto et Al, 2011: 305)؛ چراکه در این کشور بیشترین قربانیان آزیست کارگرانی هستند که به‌نحوی با آزیست روبرو بوده‌اند، به‌ویژه کارگران ساختمان، کارگران خارج‌کننده آزیست از ساختمان، کارگران شاغل در اماکن دارای آزیست کنترل‌نشده و کارکنان تمام‌صنایعی که از آزیست استفاده کرده یا می‌کنند. از این رو، «تعهد ایمنی» از نوع تعهد به نتیجه و «تقصیر نابخشودنی کارفرما» در اثر مبتلا شدن کارگر به آزیست در آرای متعدد دیوان عالی کشور مورد پذیرش قرار گرفته و افزون بر آن، مزایای دیگری مانند کمک هزینه توقف فعالیت پیش از موعد یا حقوق بازنشستگی پیش از موعد آزیست، تدارک شده است. به‌علاوه، چنان‌که خواهد آمد، در این زمینه وجود رابطه سببیت بین خطای کارفرما و ابتلای کارگر به بیماری آزیست مفروض است و تنها علت خارجی (فورس ماژور) می‌تواند این تعهد به نتیجه را کنار بزند (Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016: 932-933). اما مهم‌ترین اقدام حقوقی در این کشور برای حمایت از زیان‌دیدگان آزیست که مبنای قلمرو مسئولیت را تحت تأثیر قرار داده، تأسیس «صندوق جبران خسارت قربانیان آزیست» است که در ادامه به تفصیل به آن خواهیم پرداخت.

1. Negligent.
2. Strict liability.

۲.۲. ارکان مسئولیت مدنی ناشی از آزیست

فعل زیان بار، ضرر (خسارت قابل جبران) و رابطه سببیت، به عنوان ارکان عمومی مسئولیت مدنی در مسئولیت ناشی از آزیست، دارای ویژگی‌ها و قواعد خاصی است که باید جداگانه مطالعه شود.

۲.۱. فعل زیان بار. چنان که گذشت، خواندگان دعاوی آزیست اشخاص و شرکت‌هایی هستند که محصولات آزیستی تولید یا نصب نموده یا فروخته باشند، یا در فرایند تولید یا در محصولات خود از آزیست استفاده کرده باشند یا اینکه ساختمانی داشته باشند که در آن از آزیست استفاده شده باشد (White, 2004: 187). بنابراین، فعل زیان بار در مسئولیت ناشی از آزیست می‌تواند تولید یا توزیع آزیست یا کالاهای حاوی آن یا منتشر نمودن یا قرار دادن شخص در معرض آزیست باشد. در حقیقت، عاملان زیان در خسارت ناشی از آزیست به دو دسته تقسیم می‌شوند: تولیدکنندگان محصولات، و افرادی که در زمینه نصب یا تخریب محصولات حاوی آزیست فعالیت می‌کنند، مانند کارکنان صنعت کشتی‌سازی یا ساختمان‌سازی. طبق نظریه مرسوم، مسئولیت تولیدکنندگان در قبال کارگزارانشان محدود به جبران خسارت است، اما مسئولیت آنها در قبال کسانی که در استخدامشان نبوده، ولی از محصولات آنها استفاده می‌نمودند، نامحدود خواهد بود (White, 2004: 186). بنابراین، فعل زیان بار، هم از لحاظ مصادیق و هم از حیث دامنه تأثیر، بسیار گسترده است.

۲.۲. ضرر؛ زیان‌های قابل جبران. ماهیت زیان‌های ناشی از آزیست بسیار سیال‌تر از آن چیزی است که در سایر دعاوی دارای قربانیان انبوه دیده می‌شود، زیرا در قرن بیستم به‌طور وسیع از آزیست در صنایع گوناگون استفاده شده است و اشخاص در موقعیت‌های گوناگونی در معرض آزیست قرار گرفته و افراد زیادی مبتلا شده‌اند. سطح آلودگی‌ها نیز بسیار گسترده بوده و از بین مبتلایان بی‌شمار، بسیاری دچار بیماری جدی و شرکت‌های زیادی نیز به‌علت قرار دادن افراد در معرض آزیست مسئول شمرده شده‌اند. دوره پنهانی بیماری آزیست هم بسیار طولانی است، به نحوی که معمولاً مدارک مربوط به این بیماری از دست می‌روند. این پیچیدگی‌ها باعث تنوع دعاوی آزیستی می‌شود (Hanlon & Smetak, 2007: 604-606).

به این ترتیب، زیان‌های قابل جبران برای قربانیان آزیست ممکن است از نوع زیان‌های مادی یا معنوی باشد که شرح آن در بخش دوم نوشتار حاضر خواهد آمد. افزون بر آن، دادگاه‌های امریکا و فرانسه در زمینه زیان‌های قابل جبران ناشی از آزیست تفسیر وسیعی ارائه داده و حتی خسارت ناشی از «ترس مبتلا شدن به بیماری» (Coggiola, 2009: 3) یا «خسارت نگرانی» را قابل جبران دانسته‌اند. رویه قضایی فرانسه در آرای متعددی، جبران خسارت خاص با عنوان خسارت نگرانی (مانند جبران خسارت هراس ناشی از این بیماری که در شرایط زندگی اختلال ایجاد کرده، قربانی را از امکان داشتن احساس آرامش در زندگی محروم می‌کند) برای قربانیان آزیست را به رسمیت شناخته است. برای نمونه،

شعبه اجتماعی دیوان عالی کشور در رأی مورخ ۱۱ می ۲۰۱۰، نگرانی حس شده از سوی قربانیان در معرض آزیست را که از این پس در هراس دائمی زندگی می‌کنند، بدون اینکه هنوز دچار پاتولوژی مشخصی شده باشند، به عنوان خسارت پذیرفت و جبران آن را مقرر نمود. در آرای بعدی، به ویژه رأی ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۳ و ۳ مارس ۲۰۱۵ این رویه این چنین ادامه یافت: «تمامی اختلالات روانی، از جمله اختلالات مرتبط با آشوب در شرایط زندگی، ناشی از خطر اعلام هر لحظه بیماری مرتبط با آزیست» قابل جبران است (Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016: 934).

۳.۲.۲. رابطه سببیت؛ تسهیل در احراز رابطه سببیت. با اینکه دعوای مسئولیت مدنی ناشی از آزیست یکی از بزرگ‌ترین دعوای مسئولیت مدنی دارای قربانیان انبوه است که از زمان شروع در اواخر ۱۹۶۰ حدود ۷۳۰ هزار دعوای در این زمینه اقامه شده و بالغ بر ۷۰ میلیارد دلار هزینه دربر داشته است (Hanlon and Smetak, 2007: 562)، هنوز در زمینه مسئولیت مدنی ناشی از آزیست دشواری‌های متعددی در مورد احراز رابطه سببیت وجود دارد. از یک طرف، مشخص نیست خسارت بدنی در اثر آزیست در طول دوران کار به وجود آمده یا ناشی از عوامل خارجی دیگری است و از طرف دیگر، زمانی که شخص زیان دیده از سوی دو یا چند کارفرما به کار گرفته شده، علم پزشکی نمی‌تواند اثبات نماید زیان وارد شده منتسب به کدام یک است. این پیچیدگی‌های خاص دعوای آزیست سبب شده است حقوق مسئولیت مدنی تدابیری بیندیشد تا شخص زیان دیده در مواردی که اثبات رابطه سببیت دشوار است نیز بتواند خسارت دریافت نماید (Sobczak, 2013: 18-19). بر همین اساس، رویکردهای اثبات این رابطه به تدریج تسهیل شده‌اند.

یکی از تفاوت‌های دعوای آزیست با دعوای مشابه در این است که بار اثبات در دعوای آزیستی آسان‌تر است. طبق قاعده، خواهان باید اثبات نماید که محصولات یک خواننده مشخص سبب ورود خسارت به او شده است، اما تدارک این امر برای اغلب خواهان‌های دعوای آزیست بسیار دشوار است؛ زیرا آنها در معرض بسیاری از محصولات آزیستی قرار می‌گیرند و نمی‌توانند ثابت کنند که یک محصول خاص سبب ورود ضرر به آنها شده است (White, 2004: 191).

الف) در پاسخ به این مشکل، رویه قضایی فرانسه به وجود رابطه سببیت مفروض بین خطای کارفرما و ابتلای کارگر به بیماری آزیست روی آورد. شعبه اجتماعی دیوان عالی کشور در رأی ۲۲ نوامبر ۱۹۹۰ و رأی ۳۰ دسامبر ۱۹۹۲ درباره آزیستوز و مزوتلیموپلورال که جزء بیماری‌های شغلی بودند، فرض آگاهی کارفرما را به صراحت پذیرفت و اظهار داشت: «کارفرما زمانی که کارمند حقوق‌بگیر را بدون محافظت در معرض ذرات آزیست قرار می‌دهد می‌بایست از خطری که در کمین وی بوده است، آگاه بوده باشد». همچنین، شعبه اجتماعی دیوان عالی کشور در مجموعه آرای مورخ ۲۸ فوریه ۲۰۰۲، با پذیرش تعهد ایمنی برای کارفرما، مقرر داشت: بر اساس قرارداد شغلی که کارفرما را به کارمند خود مرتبط می‌کند،

کارفرما موظف به انجام تعهد ایمنی، مخصوصاً در برابر محصولات ساخته شده یا استفاده شده از سوی شرکت است و تخلف از این تعهد ایمنی، تقصیر نابخشودنی کارفرما موضوع ماده ۴۵۲-۱ قانون تأمین اجتماعی را تشکیل می‌دهد. هنگامی که کارفرما از خطری که حقوق‌بگیر وی در معرض آن قرار گرفته، آگاه بوده یا باید آگاهی می‌داشته و تدابیر لازم را برای محافظت از او در برابر خطر انجام نداده است، در نتیجه با احراز قرار گرفتن کارمند در معرض آریست که با مشاهده بیماری از طریق پزشکی ثابت می‌شود، رابطه سببیت مفروض است و تنها علت خارجی تشکیل‌دهنده فورس ماژور می‌تواند او را از تعهد ایمنی از نوع تعهد به نتیجه معاف کند (Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016: 933).

ب) دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا نیز در احراز رابطه سببیت سختگیری روا نداشتند، بلکه تنها خواهان را ملزم نمودند که ثابت کند محصول خوانده دعوا در محیط کار او مورد استفاده قرار گرفته است. برای اثبات این امر، دادگاه‌ها اظهارات همکاران زیان‌دیده مبنی بر وقوع این حادثه در محل کار را می‌پذیرفتند (White, 2004: 191). افزون بر آن، دادگاه عالی کالیفرنیا کارفرما را به سبب مبتلا شدن اعضای خانواده کارگر مسئول شناخت (Kesner v. Superior Court and Haver v. BNSF Railway Company). در لایحه‌ای که در سال ۲۰۰۳ در زمینه مسئولیت ناشی از آریست تنظیم شده، آمده است: برای مطالبه خسارت، خواهان‌ها باید ادله‌ای را که نشان دهد برای حداقل چند سال در سطح خاصی در معرض آریست بوده‌اند و گواهی پزشکی مثبت بیماری آریست - که بسته به بیماری متفاوت است - را ارائه دهند، ولی مکلف به اثبات این موضوع نیستند که از طریق محصولات خاصی دچار بیماری آریستی شده‌اند. این لایحه تصریح می‌نماید که کارشناسان پزشکی مستقل تمامی درخواست‌های دریافت خسارت را بررسی می‌نمایند. همچنین، این طرح به صندوق این اختیار را می‌دهد که خواهان‌ها را ملزم به ارائه معاینه پزشکی و نمونه‌برداری از بافت‌ها نماید (White, 2004: 199).

گفتنی است، دعاوی مربوط به آریست در طول سالیان دراز دنیای متفاوتی را برای مسئولیت مدنی ترسیم کرده است. دادگاه‌ها مجموعه‌ای از قواعد را در راستای مدیریت کارآمد پرونده‌های آریست ایجاد نموده و در این زمینه استانداردهای زیادی را نادیده گرفته‌اند (Schwartz & Tedesco, 2001: 531; Schwartz & Lorber, 2000: 247). برای مثال، به‌منظور اثبات رابطه سببیت، یک تئوری بیش‌ازحد تسهیل‌کننده تحت عنوان «هرگونه قرار گرفتن در معرض آریست»^۱ مطرح شده است که بر اساس آن، قرار گرفتن در معرض آریست به هر نحو و میزانی که باشد، سبب بیماری آریستوز یا سایر بیماری‌های ناشی از آریست تلقی می‌شود و امکان اثبات خلاف آن هم بسیار دشوار است. به دیگر سخن، چون این بیماری به تدریج بروز می‌کند و به عبارتی زاینده است، هرگونه قرار گرفتن در معرض آریست در ابتلای

نهایی شخص به بیماری مؤثر است، ولو اینکه این قرار گرفتن جزئی باشد و سبب بیماری آزیستوز، سرطان کشنده ریه یا سرطان ساده گردد. این تئوری به وکیل خواهان اجازه می‌دهد که سالانه هزاران خواننده را که مشارکت آنها در پیدایش بیماری جزئی و نوعاً بسیار کمتر از «سبب» است، طرف دعوا قرار دهد (Behrens & Anderson: 2008: 480). بر مبنای این دیدگاه، برخلاف رویکرد معمول در حوزه مسئولیت مدنی که به ارزیابی دوز (مقدار) بیماری نظر دارد، کافی است خواهان ثابت نماید که در معرض آزیست قرار گرفته است؛ بدون در نظر گرفتن دوز آن و اینکه برای ابتلای خواهان به بیماری کافی بوده است. نتیجه این رویه، کاهش دوز لازم برای اثبات رابطه سببیت است و از این رو، میزان قرارگیری واقعی که برای ابتلا لازم است به حداقل می‌رسد. در برخی از احکام دادگاه‌ها این مفهوم به قدری تنزل پیدا کرده که به درجه و تعداد زمان‌های قرار گرفتن در معرض آزیست نیز توجهی نمی‌کنند و تقریباً هرگونه قرار گرفتن را کافی می‌شمرند (Wasserman et al, 2007: 883; Jones v. John Crane, Inc., 35 Cal. Rptr. 3d 144, 151-52 (Ct. App. 2005); Celotex Corp. v. Tate, 797 S.W.2d 197, 203 (Tex. App. 1990)).

کارشناسان حامی این حوزه نیز اعتقاد دارند که هرگونه شغل یا محصولی که باعث قرار گرفتن در معرض آزیست شود، برای اثبات رابطه سببیت کافی است و هیچ حداقلی نیز در این زمینه وجود ندارد (<https://cite.case.law/ga-app/239/748>). در نتیجه، این گونه نظر می‌دهند که هر شکل قرار گرفتن در معرض آزیست که ناشی از شغل یا کار مرتبط با سرگرمی باشد، عامل مهمی در اثبات رابطه سببیت است. این نظریه شامل تمامی فعالیت‌ها خواهد بود، بدون توجه به دوره زمانی و مقدار آن، و حتی یک بار کار کردن با ترمز یا یک بار بازسازی جایی که حاوی آزیست است و تعمیر واشر روی موتور، به‌عنوان عواملی برای ابتلا به سرطان کشنده ریه در نظر گرفته شده است (Pamela Perry WILSON, Administratrix of the Estate of Dolly F. Chase, Deceased, Appellant v. A.P. GREEN INDUSTRIES, INC., Flexitallic Gasket Co., a/k/a Gasket Holdings, Union Carbide Corporation, Flintkote Co. and Uniroyal, Inc., Appellees Superior (Court of Pennsylvania. Filed September 16, 2002)).

با وجود این، دادگاه‌های ایالات مختلف آمریکا به مرور زمان در مقابل این تئوری مقاومت و آن را تعدیل کردند. به نظر می‌رسد، اولین بار در پرونده *بارتل* این تئوری رد و اعلام شد که برای اثبات رابطه سببیت کفایت نمی‌کند. البته پرونده *بارتل* توجه کمی را به خود جلب کرد و در دادگاه‌ها به صورت مکرر مورد استناد قرار نگرفت، ولی در سال‌های بعد تئوری هرگونه قرار گرفتن در معرض آزیست برای احراز سببیت از سوی دادگاه‌ها به دلایل غیرعلمی یا عدم مطابقت با معیارهای فری و دابرت^۱ رد شد. اولین و

1. Frye and Daubert

مهم‌ترین پرونده در این حوزه پرونده بتز علیه پنیمو/آبکس^۱ بود که از سوی قاضی کلویل^۲ در پنسیلوانیا رسیدگی شد (Behrens, 2008: 496). وی برای بی‌اثر کردن این تساهل در اثبات رابطه سببیت چنین استدلال نمود: میزان زیاد الکل سبب مسمومیت، و میزان بیشتر آن باعث مرگ می‌شود و میزان خیلی کم آن، هیچ کدام از این دو اثر را ندارد. میزان زیاد نیتروگلیسیرین یا آرسنیک باعث صدمه می‌شود، میزان بیشتر آن می‌تواند کشنده باشد، ولی میزان کم آن، جنبه درمانی دارد. حجم زیاد آب می‌تواند مضر باشد، ولی حجم متوسط آن برای سلامتی خوب است. خلاصه آنکه سم در هر دوزی وجود دارد و نمی‌تواند برای اثبات رابطه سببیت کافی باشد. از دیدگاه قاضی کلویل، تلاش کارشناسان برای اینکه از اثر دوز زیاد، اثرگذاری دوز کم را نتیجه‌گیری نمایند، هم از لحاظ منطقی و هم از دیدگاه علم پزشکی مردود است (Behrens, 2008: 499). به‌علاوه، دادگاه عالی تگزاس در دعوی آزیستوز مکانیک، گواهی دکتر باری کستلمن و کارشناس دیگر مبنی بر کافی بودن قرار گرفتن در معرض آزیست به‌عنوان علت بیماری را رد کرد (<https://law.justia.com/cases/new-york/other-courts/2004/2004-24188.html>). دادگاه عالی پنسیلوانیا نیز در پرونده‌ای درباره سرطان کشنده ریه که دعوا علیه تولیدکننده قطعات اتومبیل اقامه شده بود، آنچه را که مورد تأیید پزشکیان چون ریچارد لمن، جیمز جرارد و آرتور فرانک بود، نپذیرفت (<https://cite.case.law/ga-app/239/748>). همچنین، دادگاه فدرال منطقه اوهایو و دادگاه ششم تجدیدنظر در دعوی مربوط به جعبه‌واشر و بسته‌بندی، گواهی دکتر آرتور فرانک و یاسونوسکی سوزوکی را رد کرد (Bartel, 316 F. Supp. 2^d at 611). موارد بسیار دیگری از این نمونه‌ها در رویه قضایی مشاهده می‌شود. وانگهی در انتقاد به دادگاه‌هایی که از این تئوری استقبال می‌کنند، گفته شده است: دادگاه‌هایی که تئوری «هرگونه قرار گرفتن در معرض» را به‌راحتی می‌پذیرند، به خطر ظهور مجدد دعوی سوداگرانه و بی‌اهمیت در فضای رو به بهبود دامن می‌زنند. چنین نتیجه‌ای نشان‌دهنده ضعف علمی و نیز ضعف افزایشنده در سیاست عمومی است (Bernstein, 2003: 11-28). یکی دیگر از ایرادات این نظریه آن است که با اصول علم پزشکی سازگار نیست، چون دوز لازم برای ابتلا به بیماری را در نظر نمی‌گیرد.

نتیجه آنکه، امروزه در ایالات متحده آمریکا برای اثبات رابطه سببیت بین قرار گرفتن در معرض آزیست و ابتلا به بیماری سختگیری نمی‌شود و چنان‌که گذشت، در برهه‌ای صرف قرار گرفتن در معرض آزیست، ولو اینکه از لحاظ پزشکی مؤثر در ایجاد بیماری نباشد، برای ابتلا به بیماری، سبب مفروض تلقی می‌شد و در مواردی حتی اسباب احتمالی دور نیز سبب تلقی می‌گردید که البته این رویکرد تعدیل شده و حتی این‌گونه اظهار نظر شده است که چنانچه مؤسسات حقوقی بخواهند علیه خواندگانی که دارای حداقل میزان تأثیرگذاری بوده‌اند بر مبنای نظریه کهنه‌ای که دیگر قابلیت پذیرش در دنیای علمی

1. Betz v. Pneumo-Abex.

2. Colville.

را ندارد، موج جدیدی از دعاوی آزیست را راه‌اندازی نمایند، نباید به آنها اجازه چنین اقدامی داده شود؛ بلکه باید قواعد موجود در پرونده پارکر و سایر مصادیق مسئولیت مدنی ناشی از مواد سمی اعمال گردد و نیز باید کارشناسی بر اساس معیارهای «دابر» و «فری» یا سایر مدارک و کارشناسی‌های موردنیاز مرحله قبل از محاکمه صورت گیرد. کارشناسان خواهان باید ملزم به ارزیابی دوز موجود در محصول تولیدی یا محل کار خواندگان شوند و نشان دهند که مواد مورد بررسی حاوی میزانی از دوز بوده‌اند که از لحاظ مطالعات اپیدمیولوژیک قادر به بیمار نمودن هستند (Behrens, 2008: 509). همان‌طور که در پرونده *شالمن علیه برتتیج آمده (Shulman v Brenntag N. Am., Inc.)*، می‌توان گفت که رویه قضایی آمریکا بر این باور است که برای مسئول شناخته شدن خواننده باید احراز شود که خواهان در معرض میزان کافی از ماده تولیدکننده آزیست که قابلیت مبتلا کردن شخص را داشته، قرار گرفته است.

ج) در مقام مقایسه حقوق آمریکا و فرانسه در حوزه اثبات رابطه سببیت در دعاوی آزیستی، می‌توان گفت: ۱- در حقوق فرانسه، برخلاف حقوق آمریکا، خواندگان نمی‌توانند دفاع نمایند که خواهان یا صندوق جبران خسارت قربانیان آزیست نتوانسته‌اند قرار گرفتن تقصیرآمیز در معرض آزیست را نشان دهند. ۲- هرگاه بیماری فرد از بیماری‌هایی باشد که در فهرست بیماری‌های مرتبط با آزیست قرار دارد (سرطان ریه، مزوتلیوما، آزیستوز، پلاک‌های پلور، ضخیم شدن پلور)، در حقوق فرانسه چنین فرض می‌شود که این بیماری مرتبط با آزیست و اشتغال شخص است و برای شرکت‌ها هم امکان اثبات خلاف این امر وجود ندارد. برای مثال در فرانسه، برعکس حقوق آمریکا، نمی‌توان رابطه سببیت بین این بیماری و مصرف دخانیات را اثبات نمود (Gallage-Alwis et Massé, 2022: 4)؛ از همین رو، خواننده نمی‌تواند بر این مبنا که خواهان در خانه‌ای حاوی آزیست زندگی می‌کند یا اینکه از محصولات حاوی آزیست استفاده می‌کند، دفاع نماید. ۳- در حقوق فرانسه فرض بر این است که آخرین کارفرما باعث بیماری فرد شده است و این فرض بار اثبات را برای خواهان و صندوق تسهیل می‌نماید تا بتوانند به سهولت علیه آخرین کارفرما اقامه دعوا نمایند و بار اثبات اینکه کارفرما یا شخص دیگری نیز خواهان را در معرض آزیست قرار داده است، به‌عهده خواننده خواهد بود (Gallage-Alwis et Massé, 2022: 5). ۴- در آمریکا با تأکید بر مسئولیت ناشی از عیب تولید، تولیدکنندگان آزیست را به پرداخت خسارت محکوم می‌کنند؛ ولی در فرانسه این مسئولیت را از شقوق مسئولیت کارفرما تلقی نموده، آن را تخلف کارفرما از تکلیف تأمین ایمنی محیط کار می‌دانند (Miyamoto et Al, 2011: 305).

۳. جبران خسارت ناشی از آزیست در حقوق آمریکا و فرانسه

برای مشاهده شیوه جبران خسارت قربانیان آزیست و تأسیس نظام خاص برای جبران خسارت زیان‌دیدگان یادشده، موضع حقوق فرانسه و آمریکا جداگانه مطالعه می‌شود.

۱.۳. جبران خسارت ناشی از آزیست در حقوق فرانسه

مهم‌ترین اقدام قانون‌گذار فرانسه برای جبران خسارت‌های ناشی از آلودگی آزیست، تأسیس صندوق خاصی با عنوان «صندوق جبران خسارت قربانیان آزیست» است. در سال ۲۰۰۰ و زمانی که مشخص شد دولت فرانسه برای مراقبت و ممانعت از قرار گرفتن اشخاص شاغل در معرض آزیست اقدامات لازم را به عمل نیاورده است، این صندوق به همت قانون‌گذار فرانسه تأسیس شد (Sobczak, 2013: 200). ماده ۵۳ قانون شماره ۲۰۰۰-۱۲۵۷ مورخ ۲۳ دسامبر ۲۰۰۰ راجع به تأمین سرمایه سازمان تأمین اجتماعی برای سال ۲۰۰۱، صندوق جبران خسارت قربانیان آزیست را برای حمایت از این قربانیان و جبران خسارت واردشده به آنها با تشریفات مشخصی تأسیس نمود. همچنین، حکم شماره ۲۰۰۱-۹۶۳ مورخ ۲۳ اکتبر ۲۰۰۱، ساختار، عملکرد و رویه جبران خسارت قربانیان آزیست از طریق مؤسسه (صندوق) یادشده را شرح می‌دهد و دعاوی که می‌توانند علیه صندوق جبران خسارت قربانیان آزیست در دادگاه‌های استیناف اقامه شوند، معرفی می‌کند.

ذکر این نکته هم لازم است که صندوق از زمان تأسیس، تعداد ۷۸۶۰۱ کمک هزینه را پرداخت کرده است. همچنین، گزارش فعالیت سال ۲۰۱۳ نشان می‌دهد که صندوق در این سال ۵۲۰۲ دادخواست را دریافت نموده است. مبلغ کل میانگین غرامت از سوی صندوق جبران خسارت قربانیان آزیست برای سال ۲۰۱۳، ۱۴۷ هزار و ۹۳۹ یورو برای سرطانی‌های ریه و ۳۷ هزار و ۸۲۹ یورو برای آزیستوز بوده است. این صندوق، نزدیک به ۳/۹ میلیارد یورو غرامت را از زمان تأسیس خود پرداخت نموده است (Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016: 839-843). به این ترتیب، در حقوق فرانسه نظام خاصی برای جبران خسارت زیان‌دیدگان آزیست طراحی و تشکیل شده است. ساختار و بودجه صندوق، نحوه مراجعه به صندوق، مرور زمان طرح دعوا، میزان خسارت قابل جبران، پیشنهاد جبران خسارت و مراجعه صندوق به مسئولان حادثه به صورت مختصر مطالعه می‌شود.

الف) ساختار و بودجه صندوق. صندوق جبران خسارت قربانیان آزیست، یک مؤسسه دولتی - ملی با مشخصه اداری، دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است (قانون شماره ۲۰۰۰-۱۲۵۷ مورخ ۲۳ دسامبر ۲۰۰۰ راجع به تأمین سرمایه سازمان تأمین اجتماعی برای سال ۲۰۰۱). سرمایه صندوق جبران خسارت قربانیان آزیست از طرف دولت و شعبه «بیمه حوادث شغلی - بیماری شغلی» نظام کلی تأمین اجتماعی تدارک دیده می‌شود که با رجوع صندوق به قائم‌مقامی قربانیان علیه مسئولان، تکمیل می‌گردد. ب) مراجعه به صندوق. رجوع به صندوق برای هر فردی که به سبب شغل یا محیط زیست در معرض آزیست قرار گرفته و خسارتی به سلامتی او وارد شده و همچنین برای قائم‌مقامان او امکان‌پذیر است. بدیهی است که قرار گرفتن در معرض آزیست و خسارت مسلم به سلامتی زیان‌دیده باید ثابت شود.

ج) مرور زمان طرح دعوا. ماده ۵۳ قانون شماره ۲۰۰۰-۱۲۵۷ مورخ ۲۳ دسامبر ۲۰۰۰، مهلت مرور زمان دعوا را مشخص نکرده بود. دیوان عالی کشور در رأی مورخ ۱۸ ژانویه ۲۰۱۰ و آرای ۳ ژوئن و ۸ ژوئیه ۲۰۱۰ اظهارنظر کرد که مطالبه خسارت قربانیان آزیست به دلیل آنکه وصول آن از سازمان دولتی درخواست شده است، مشمول مرور زمان چهارساله خواهد بود. این راه حل که مورد انتقادات شدیدی قرار گرفت، این واقعیت را نادیده می‌گرفت که دعوای یادشده ناظر به جبران خسارت‌های ناشی از صدمه بدنی است و بنابراین، باید مشمول مرور زمان دهساله مقرر در ماده ۲۲۲۶ ق.م. باشد. ماده ۹۲ قانون ۲۰ دسامبر ۲۰۱۰ مربوط به تأمین سرمایه تأمین اجتماعی همین راه حل را پذیرفت. در متن آن آمده است: «حقوق جبران خسارات ذکر شده در پاراگراف یک دارای مرور زمان دهساله از تاریخ اولین گواهی پزشکی است که ارتباط بین بیماری و قرار گرفتن در معرض آزیست را تأیید می‌کند». در ادامه این ماده، استثنایی برای جریان مهلت مرور زمان پیش‌بینی شده است. همچنین، این قانون عطف به ماسبق می‌شود و دادخواست‌هایی که قبل از اول ژانویه ۲۰۱۴ به دلیل شمول مرور زمان رد شده بود، اجازه یافتند که خسارت خود را از صندوق جبران خسارت قربانیان آزیست بخواهند، که اقدامی بسیار مفید و مهم به نفع قربانیان بوده است.

د) میزان خسارت قابل جبران. مطالبه خسارت از سوی زیان‌دیده تابع اصل جبران کامل خسارت است. به علاوه، زیان‌دیده برای مطالبه خسارت می‌تواند به صندوق یا دادگاه مراجعه کند. البته مدعی باید دعوای احتمالی در دست رسیدگی را به صندوق اطلاع دهد، و متقابلاً باید رجوع به صندوق جبران خسارت قربانیان آزیست را به دادگاهی که در آن دعوای جبران خسارت مطرح شده است، اطلاع‌رسانی نماید. وانگهی، رعایت اصل جبران‌کننده (اصل عدم جبران مضاعف خسارت) نیز مستلزم این است که مبالغ پرداخت‌شده از سوی پرداخت‌کنندگان ثالث از مبلغ پرداختی از سوی صندوق کسر شود.

ه) پیشنهاد جبران خسارت از سوی صندوق. پس از مراجعه به صندوق، این مؤسسه باید پیشنهاد جبران خسارت را ظرف شش ماه از تاریخ رجوع ارائه کند. چنانچه مدعی پیشنهاد را بپذیرد، قبول او تابع حل‌وفصل و استرداد دعوای حقوقی جبران خسارت در حال رسیدگی، خواهد بود و هر دعوای حقوقی بعدی، جبران همان خسارت را غیرقابل استماع می‌کند. در مقابل، هرگاه مدعی پیشنهاد را رد کند، مخصوصاً اگر آن را ناکافی تشخیص دهد، می‌تواند علیه صندوق یا کارفرما (برای تقصیر نابخشودنی) و یا دولت در دادگاه حقوقی یا اداری، حسب مورد، اقامه دعوا نماید. به علاوه، اگر صندوق تصور کند که شروط جبران خسارت فراهم نیست و به این جهت از ارائه پیشنهاد خودداری نماید، مدعی می‌تواند به دادگاه مراجعه کند.

و) مراجعه صندوق به مسئولان حادثه. صندوق پس از جبران خسارت قربانی می‌تواند به قائم‌مقامی او به اشخاص یا سازمان‌هایی که مسئول قرار دادن قربانی در معرض آزیست هستند، مراجعه کند. به این ترتیب، جبران خسارت نهایی برعهده کارفرمایان مسئول و بیمه‌گران آنها مستقر می‌شود (Lambert-Faivre et Porchy-Simon, 2016: 839-843; Manaouil et al, 2006: 435-443; Salvatori et al, 2003: 11-16؛ جواهرکلام، ۱۴۰۱، ۸۵۵).

۲.۳. جبران خسارت ناشی از آزیست در حقوق امریکا

الف) تأسیس صندوق و گسترش مسئولیت شرکت‌های بیمه. در کشور امریکا در دهه ۱۹۳۰ بسیاری از ایالات برنامه‌هایی برای جبران خسارت از زیان‌دیدگان آزیست تدارک دیدند. بر اساس این برنامه‌ها، از کارگرانی که به‌واسطه کار، بیمار یا معلول شده بودند، از طریق صندوقی که منابع مالی آن از طرف کارفرمایان تأمین می‌شد جبران خسارت به‌عمل می‌آمد (White, 2004: 185).

از دیگر تحولات حقوقی، توسعه مسئولیت مدنی شرکت‌های بیمه در زمینه دعوی آزیست است. برای نمونه، هرگاه خواهان دعوا که در سال ۱۹۵۵ در معرض آزیست قرار گرفته، در سال ۱۹۸۵ مبتلا به آزیستوز تشخیص داده شود، بر اساس نظریه تعدد بیمه‌ای^۱ که اکثر ایالات آن را پذیرفته‌اند، استشمام فیبرهای آزیست خسارت مستمر به ریه‌های خواهان محسوب می‌گردد و از این رو، خواهان می‌تواند از بیمه‌گرانی که در سال ۱۹۵۵ یا سال ۱۹۸۵ یا سال‌های بین این دو، شرکت (کارفرما) را بیمه نموده‌اند، خسارت دریافت نماید. علاوه بر این، دادگاه‌ها بیمه‌نامه‌ها را به بیمه مسئولیت محل تعبیر نموده‌اند، زیرا بیمه خسارات ناشی از عیب محصول، دارای محدودیت پوشش است؛ اما بیمه محل که برای موارد خطرناکی مانند طوفان یا آتش‌سوزی استفاده می‌شود، فقط دارای محدودیت برای هر رخداد است. اگر ابتلای به آزیست، رخدادی مستقل در نظر گرفته شود، بیمه‌گذار دارای مسئولیت نامحدود خواهد بود. این تحول در خصوص بیمه مسئولیت باعث افزایش مسئولیت برای بیمه‌گران در دعوی آزیست می‌شود (White, 2004: 194).

به‌علاوه در حال حاضر، کنگره در حال بررسی لایحه قانونی انصاف در حل‌وفصل دعوی آزیست بوده، در صدد است بحران آزیست را از طریق تأسیس صندوق مالی خصوصی که به شیوه عمومی اداره می‌شود حل کند تا خسارات آزیستی را جبران نماید. برای تأمین منابع صندوق، خواندگان دعوی آزیست و شرکت‌های بیمه هرکدام ۵۲ میلیارد دلار در طول ۲۷ سال پرداخت خواهند نمود. ۱۰ میلیارد دلار نیز از صندوقی که برای جبران خسارت در دعوی ورشکستگی ایجاد شده است، انتقال می‌یابد که در مجموع بودجه صندوق به ۱۱۴ میلیارد دلار می‌رسد.^۲ خواندگان مکلف هستند یا قسمتی از درآمد خود را پرداخت

1. Triple Trigger Doctrine.

۲. سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا مبلغ ۱۱۴ میلیارد دلار برای جبران تمامی خسارات فعلی و آینده ناشی از آزیست کفایت می‌کند؟ دفتر بودجه کنگره در سال ۲۰۰۳ تخمین زده است که مبلغ پیشنهادی برای پوشش دادن هزینه‌هایی که به خواهان‌ها پرداخت می‌شود کفایت خواهد کرد و این‌گونه فرض می‌کند که در ده سال ابتدایی ۶۰۰۰ دعوا در زمینه سرطان کشنده ریه و سایر سرطان‌ها و سالانه ۶۳ هزار دعوی حقوقی درباره آزیستوز و شرایط غیر بدخیم مطرح می‌شوند. همچنین، پیشنهاد می‌نماید بعد از این مدت تنها ۱۵ درصد از مبتلایان حق دریافت خسارت خواهند داشت و ۸۵ درصد تنها نظارت پزشکی دریافت می‌کنند. بر اساس پیش‌بینی این دفتر پس از ده سال، دعوی راجع به سرطان کشنده ریه و سرطان به نصف کاهش می‌یابد، ولی دعوی ناظر به شرایط بدخیم به دو برابر افزایش خواهد

نمایند یا به صورت سالانه مبلغی یکجا پرداخت کنند که این تعهد به میزان سرمایه و سابقه مسئولیت در قبال آزیست وابسته است. شرکت‌ها و مؤسسات کوچک که سابقه پرداخت جریمه در قبال مسئولیت آزیستی ندارند، از مسئولیت معاف هستند. همچنین، برای مشخص کردن میزان سهم شرکت‌های بیمه و نیز برای ارزیابی دارایی شرکت‌های شخصی، کمیسیون‌هایی تشکیل خواهد شد و این ارزیابی بستگی به سابقه مسئولیت در قبال آزیست دارد (White, 2004: 199).

تأسیس صندوق خاص برای جبران خسارت زیان دیدگان آزیست دارای مزایای بسیاری است: صندوق برای همه اشخاص اطمینان‌آور است؛ در مقایسه با سیستم مسئولیت مدنی که در آن افراد ریسک برنده شدن چند میلیون دلار در دادگاه یا محکوم واقع شدن را می‌پذیرند، خواهان‌ها به تناسب بیماری خود خسارت مشابهی دریافت خواهند نمود. وانگهی، تأسیس صندوق این احتمال را افزایش می‌دهد که برای اشخاصی که در آینده دچار بیماری آزیست جدی می‌شوند، بودجه در دسترس خواهد بود. همچنین، خواهان‌ها در مقایسه با زمانی که از طریق دعوی مسئولیت مدنی اقدام می‌کنند و سال‌ها زمان می‌برد، بسیار سریع‌تر به مطالبات خود دست می‌یابند. علاوه بر این، صندوق، عدم اطمینان خواندگان در مورد مسئولیت خود نسبت به خسارت آزیستی در آینده را از بین می‌برد و از تسری دعوا به خواندگان جدید جلوگیری به عمل می‌آورد (White, 2004: 200).

ب) نحوه جبران خسارت. در حقوق امریکا سطح خسارات پیشنهادی در جدولی طراحی شده است. خواهان‌های مبتلا به مزوتلیمو، یک میلیون دلار؛ آنهایی که دارای سرطان مرتبط با آزیست هستند، دو هزار دلار تا یک میلیون دلار (بسته به بیماری و میزان استنشاق آزیست)؛ و کسانی که دارای آزیست معلول‌کننده یا شدید هستند، بین ۲۰ هزار تا ۷۵۰ هزار دلار (بسته به شدت بیماری خود) دریافت خواهند نمود. خواهان‌های بدون نقص، فقط کنترل و نظارت پزشکی دریافت می‌نمایند، نه وجه نقد. خسارت ظرف سه یا چهار سال پرداخت شده، اقساط متناسب با تورم تعدیل می‌شوند. در جدول شماره سه، سطح خسارت انتظاری که از حکم دادگاه ناشی می‌شود از سال ۱۹۸۷ نیز نشان داده شده است. البته خسارت‌های تنبیهی مستثنی شده‌اند، زیرا پرداخت‌های صندوق فقط شامل خسارت‌های جبرانی می‌شود. در مقام مقایسه می‌توان گفت: خساراتی که در لایحه برای بیماری‌های شدید پیشنهاد شده، از لحاظ میزان متفاوت با خساراتی است که در رأی دادگاه می‌آید. ولی بیشتر خواهان‌ها مقدار کمتری غرامت دریافت می‌نمایند، چراکه این اختلاف‌ها اغلب خارج از دادگاه حل‌وفصل می‌شوند، و میزان دریافتی بسیار کمتر از خسارتی است که در حکم دادگاه می‌آید. همچنین، این لایحه در بردارنده ممنوعیت استفاده طولانی مدت از آزیست است.

یافت. این دفتر هشدار می‌دهد که تخمین‌هایش در خصوص نسبت دعوی آزیستی واجد شرایط برای دریافت خسارت، برخلاف موضع نظارت پزشکی، بسیار دقیق هستند (White, 2004: 200).

ج) مسئولیت تضامنی و نسبت مسئولیت. از زمان اثبات مسئولیت در پرونده بارل علیه شرکت فیبر بورد در سال ۱۹۷۳، دادگاه‌های امریکا خواهان‌های دعاوی آزیست را از لزوم اثبات نسبت صدمه (مسئولیت مشارکتی) معاف کردند. در حقیقت، محاکم پذیرفتند که بیماری آزیست غیرقابل تقسیم است. بر این اساس، هر کدام از خواندگان که بار اول زیان دیده را در معرض آزیست قرار داده، در برابر خواهان برای ناتوانی حفاظت از او ناشی از قرار دادن وی در معرض آزیست که تا زمان محاکمه رخ داده است، دارای مسئولیت تضامنی است. همچنین، شخصی که بعدها او را در معرض آزیست قرار داده نیز دارای مسئولیت نسبت به تمام ناتوانی است و خواهان مکلف به اثبات اینکه آن شخص چه میزان در پیشرفت بیماری اثر داشته است، نیست. این قاعده پرونده بارل در خصوص پرونده نورفولکو وسترن علیه آیرس هم اعمال شد که در آن، خواهان به مدت سه ماه برای خوانده کار کرده بود و بعد از آن سی و سه سال به‌عنوان لوله‌کش مشغول بوده و خوانده در قبال تمام صدمات او مسئول شناخته شد (Stapleton, 2009: 1013).

۴. موضع حقوق ایران؛ وضعیت موجود و چشم‌انداز آینده

الف) در کشور ما در مورد حجم استفاده از ماده آزیست در صنایع گوناگون و بیماری‌های آزیستوز و سرطان ریه‌ای که در اثر استنشاق آن ایجاد می‌شود و مرگ و میرهای ناشی از آن و نیز ممنوعیت استفاده از این ماده خطرناک، هیچ‌گونه اطلاعات و آماری در دست نیست. شاید به همین جهت است که قانون‌گذار ما در زمینه مسئولیت مدنی ناشی از آزیست، مقررات ویژه‌ای ندارد. این در حالی است که استفاده از آزیست در کشور ما به‌ویژه در صنایع ساختمانی و خودروسازی، قابل کتمان نیست (ر.ک. کریمی خوشحال، ۱۳۹۳: ۲ به بعد؛ خدمتلو، ۱۳۹۱: ۱۴ به بعد). از این رو، پیش‌بینی راهکارهایی برای مقابله با آزیست و پیشگیری از ورود خسارت ناشی از آزیست از یک طرف، و وضع قوانین حمایتی برای جبران مؤثر، سریع و کامل خسارت زیان‌دیدگان آزیست از سوی دیگر، ضرورت دارد.

ب) با توجه به سکوت قانون‌گذار ایرانی در زمینه مسئولیت ناشی از آزیست، به‌ناچار باید جریان قواعد عمومی مسئولیت مدنی را در این حوزه حساس و خطرآفرین پذیرفت. با این حال، چون مسئولیت تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان آزیست یکی از مصادیق مسئولیت ناشی از فرآورده‌های معیوب و از جلوه‌های حمایت از حقوق مصرف‌کننده است، می‌توان نظام حاکم بر عیب تولید و فرآورده‌های خطرناک را در مورد مسئولیت ناشی از آزیست اعمال نمود. به‌اختصار می‌توان گفت که در حقوق ما قوانین و مقررات مهمی در زمینه مسئولیت تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان کالاهای معیوب و خطرناک تصویب شده است؛ مانند قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸، قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶، قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران مصوب ۱۳۷۱، قانون مهندسی و کنترل ساختمان مصوب ۱۳۷۴ و قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲. با وجود این،

به جز ماده ۳ قانون حمایت از مصرف کنندگان خودرو که مسئولیت محض عرضه کنندگان خودرو را در مدت ضمانت مقرر داشته، مسئولیت مدنی ناشی از سایر محصولات معیوب، تابع حمایت از حقوق مصرف کنندگان است که آن هم در ماده ۲، همان قواعد عمومی مسئولیت مدنی را اعمال نموده که در نتیجه، باید مسئولیت تولیدکنندگان و عرضه کنندگان کالای معیوب را مبتنی بر تقصیر دانست (برای تفصیل بحث، ر.ک. صفایی و جواهرکلام، ۱۳۹۴: ۵۲-۵۵؛ بادینی، ۱۳۹۱: ۵۱۴ به بعد؛ داراب‌پور، ۱۳۸۷: ۱۴ به بعد؛ قاسمی حامد و خالدی، ۱۳۹۱: ۱۷۱-۱۷۸؛ کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۱۸۹ و ۳۴۵؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۶۲؛ بادینی، جواهرکلام و رادپرور، ۱۳۹۱: ۳۱-۳۳؛ قاسمی حامد و خالدی، ۱۳۸۹: ۱۲۳). از این رو، مبنای مسئولیت مدنی ناشی از آزیست نیز در حقوق ما مبتنی بر تقصیر خواهد بود؛ امری که با سیر تحولات صورت گرفته در نظام‌های امروزی مسئولیت مدنی و پیشینه فقهی و رویکرد کلی حقوق اسلامی (صفایی و جواهرکلام، ۱۳۹۴: ۴۸-۵۲) سازگاری ندارد و لازم است قانون‌گذار ما نیز در این حوزه، مسئولیت محض تولیدکنندگان و عرضه کنندگان آزیست را برقرار نماید.

ج) از حیث ارکان مسئولیت مدنی و نحوه جبران خسارت ناشی از آزیست نیز در حقوق ما احکام خاص و نظام ویژه‌ای تأسیس نشده و این در حالی است که با توجه به دشواری‌های فراوان «اثبات رابطه سببیت» برای خواهان، دخالت قانون‌گذار و تسهیل در احراز سببیت عرفی یا پیش‌بینی سببیت مفروض، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. تا آن زمان نیز رویه قضایی می‌تواند از امارات قضایی برای احراز رابطه سببیت عرفی استفاده کند. همچنین، تأسیس یک نظام خاص جبران خسارت قربانیان آزیست با پیش‌بینی صندوقی خاص، مشابه نمونه فرانسوی یا امریکایی، با منابع مالی و تعیین آیین رجوع به صندوق، برای قانون‌گذار ضرورت دارد.

۵. نتیجه‌گیری

سالیان درازی است که کشورهای اروپایی و امریکایی به دلیل ضررهای غیرقابل جبران آزیست بر سلامتی انسان و بیماری‌های گوناگونی که در اثر آن پدید می‌آید، به حمایت از قربانیان این ماده بسیار خطرناک پرداخته، با فاصله گرفتن از قواعد عمومی مسئولیت مدنی، نظام خاصی را برای جبران خسارت زیان‌دیدگان آزیست بنا نهاده‌اند. با وجود این، در حقوق ما هیچ‌گونه ادبیات حقوقی در این زمینه شکل نگرفته و مسئولیت تولیدکنندگان و انتشاردهندگان محصولات حاوی آزیست تابع قواعد کلی مسئولیت مدنی است؛ بدون آنکه حمایت کافی و مؤثری را از قربانیان یادشده، به عمل آورد. به‌منظور برطرف نمودن این مشکل بنیادین و ارائه راهکارها و الگوهایی برای رفع کاستی‌های نظام حقوقی ایران، در این نوشتار، مسئولیت مدنی ناشی از آزیست به صورت تطبیقی در حقوق فرانسه و امریکا مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است و نتایج عمده زیر را نشان می‌دهد:

۱- مسئولیت مدنی تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان محصولات آزیستی در حقوق امریکا مبتنی بر تقصیر نیست، بلکه مسئولیت محض (بدون تقصیر) پذیرفته شده است. در فرانسه نیز این مسئولیت مبتنی بر نظام مسئولیت کارفرما در برابر کارگر و ناشی از نقض تکلیف کارفرما به تأمین ایمنی محیط کار است و بدون تقصیر کارفرما نیز برای او ایجاد مسئولیت می‌کند. ۲- زیان‌های قابل جبران در هر دو کشور به صورت گسترده و وسیع در نظر گرفته شده و حتی ترس ناشی از ابتلای به بیماری یا خسارت نگرانی از آن نیز قابل جبران تلقی شده است. ۳- با وجود برخی تفاوت‌ها، در هر دو کشور، در احراز رابطه سببیت سختگیری نمی‌شود، بلکه با اثبات قرار گرفتن در معرض آزیست، رابطه سببیت مفروض است. وانگهی، در مواردی که اثبات رابطه سببیت بین فعل عامل زیان و خسارت قربانی دشوار است و مشخص نیست که زیان وارد شده منتسب به کدام کارفرما یا کدام محصول است، اندیشه جبران خسارت قربانی حاکم شده است. ۴- در حقوق هردو کشور، نظام خاصی برای جبران خسارت از قربانیان آزیست طراحی شده است و صندوق مخصوصی با بودجه و درآمد مشخص و ساختار معین و با رعایت تشریفات ساده به جبران خسارت زیان‌دیدگان می‌پردازد. صندوق پس از جبران خسارت زیان‌دیده، می‌تواند به قائم‌مقامی او به تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان آزیست رجوع کند. وانگهی، در حقوق امریکا مسئولیت اشخاصی که زیان‌دیده را در معرض آزیست قرار داده‌اند، تضامنی است. ۵- در حقوق ایران، نه تنها مبنای مسئولیت ناشی از آزیست، بلکه ارکان مسئولیت مدنی (فعل زیان‌بار، خسارت‌های قابل جبران و رابطه سببیت) و نیز نحوه جبران خسارت بدنی ناشی از قرار گرفتن در معرض آزیست، تابع قواعد عمومی است. برای رفع نقایص حقوق ایران، پیشنهاد می‌شود مقنن با استفاده از تجربیات قانون‌گذاری و رویه قضایی کشورهای پیشرفته مسئولیت مدنی، با حذف تقصیر به عنوان مبنای مسئولیت تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان آزیست و تسهیل در احراز و انتساب سببیت عرفی و با تأسیس نظام خاص جبران خسارت قربانیان آزیست، به حمایت از نامبردگان بشتابد. رویه قضایی نیز می‌تواند در این تحول، نقش سازنده و مهمی ایفا کند.

منابع

الف) فارسی

۱. بادینی، حسن (۱۳۹۱). نقدی بر مبنا و قلمرو مسئولیت مدنی عرضه‌کنندگان کالا و خدمات در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸. تحقیقات حقوقی، (۵۸)، ۵۱۱-۵۵۴.
۲. بادینی، حسن؛ جواهر کلام، محمدهادی؛ و رادپور، سجاد (۱۳۹۱). مسئولیت محض؛ مبانی و مصادیق. مطالعات حقوق تطبیقی، ۳ (۱)، ۱۹-۳۶.
۳. جواهر کلام، محمدهادی (۱۴۰۱). مبانی و اصول جبران خسارت‌های بدنی. چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۴. خدمتلو، محسن (۱۳۹۱). سنجش و پایش میزان آلاینده آزیست در هوای شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی

- ارشد، دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران، با راهنمایی دکتر خسرو اشرفی و دکتر مجید شفیعی پور مطلق.
۵. داراب پور، مهراپ (۱۳۸۷). بررسی ماهوی حقوق مصرف کنندگان در حقوق انگلستان و ضرورت اصلاح کاستی‌های حمایتی از آنان در حقوق ایران. *تحقیقات حقوقی*، (۴۸)، ۶۳-۹.
۶. ژوردن، پاتریس (۱۳۸۵). *اصول مسئولیت مدنی*. ترجمه محمد ادیب. چاپ دوم، تهران: میزان.
۷. صفایی، سیدحسین و جواهرکلام، محمدهادی (۱۳۹۴). مبنای مسؤولیت مدنی تولیدکنندگان کالا و ارائه‌دهندگان خدمات: مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، اسلام، آمریکا و اتحادیه اروپا. *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، (۴)، ۴۳-۶۶.
۸. صفایی، سیدحسین و رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۷). *مسئولیت مدنی، الزامات خارج از قرارداد*. تهران: سمت.
۹. قاسمی‌حامد، عباس و خالدی، پری (۱۳۸۹). پیشگیری از ورود خسارت به مصرف‌کننده کالای معیوب یا خطرناک در قوانین و مقررات جاری. *تحقیقات حقوقی*، (۵۱)، ۸۷-۱۲۶.
۱۰. قاسمی‌حامد، عباس و خالدی، پری (۱۳۹۱). *مسئولیت خسارت وارده به مصرف‌کننده کالای معیوب یا خطرناک در قوانین و مقررات جاری*. *پژوهش‌های اقتصادی*، ۱۲ (۲)، ۱۸۶-۱۶۹.
۱۱. کاتوریان، ناصر (۱۳۹۱). *الزام‌های خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی*. جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. کریمی خوشحال، حمیدرضا (۱۳۹۳). *تخمین میزان آزیست انتشار یافته از چند نمونه لت ترمز مورد استفاده در تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران، با راهنمایی دکتر خسرو اشرفی.

ب) انگلیسی و فرانسوی

1. Bartel, 316 F. Supp. 2d at 611.
2. Behrens, M.A. & Anderson, W.L. (2008). The Any Exposure Theory: an Unsounded Basis for Asbestos Causation and Expert Testimony. *Southwestern University Law Review*. 37. 479-510.
3. Bernstein, D.E. (2003). Keeping Junk Science out of Asbestos Litigation. *PEPP. L. REV.* 31 (1). 11-28.
4. Carroll, S.J. & et AL. (2005). *Asbestos Litigation*. United States: RAND Corporation.
5. Celotex Corp. v. Tate, 797 S.W.2d 197, 203 (Tex. App. 1990), Writ dismissed by agreement (Aug. 16, 1996).
6. Coggiola, N. (2009). Asbestos Cases in the Italian Courts: Duelling with Uncertainty. *inDret*. 4. 1-34.
7. Gallage-Alwis, S. & Massé, L. (2022). Toxic and Hazardous Substances Litigation. 5 (https://www.iadclaw.org/assets/1/17/Toxic_Hazardous_Substances_January_2022.pdf).
8. Hanlon, P.M. & Smetak, A. (2007). Asbestos Changes. *NYU Annual Survey of American Law*. 62. 525-606.
9. <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/asbestos>.
10. John Andrew GREGG, Executor of the Estate of John I. Gregg, Jr., Deceased, Appellee, v. V-J AUTO PARTS, INC., Appellant. No. 38 EAP 2005, Supreme Court of Pennsylvania, Decided December 28, 2007. GRANT et al. v. GEORGIA PACIFIC

- CORPORATION et al. Aug. 30, 1999. Court of Appeals of Georgia)Available at: <https://cite.case.law/ga-app/239/748/>).
11. Jones v. John Crane, Inc., 35 Cal. Rptr. 3d 144, 151-52 (Ct. App. 2005).
 12. Kesner v. Superior Court and Haver v. BNSF Railway Company. No. S219534 and S299919 December 1, 2016.
 13. Lambert-Faivre, Y. et Porchy-Simon, S. (2016). *Droit du dommage corporel, Systèmes d'indemnisation*. 8^e éd. Paris: Dalloz.
 14. Letter Ruling, In Re Asbestos Litig., Cause No. 2004-03964 (Tex. Dist. Ct. Jan. 20, 2004).
 15. Letter Ruling, In Re Asbestos Litig., Cause No. 2004-03964 Matter of Seventh Judicial District Asbestos Litigation. 200 (available at: <https://law.justia.com/cases/new-york/other-courts/2004/2004-24188.html>).
 16. Letter ruling, In the Asbestos, Cause No. 2004-3,964 (Tex. Dist. Ct. July 18, 2007).
 17. Manaouil, C. et Al. (2006). Compensation of asbestos victims in France. *Medicine and law*. 25 (3). 435-443.
 18. Miyamoto, K. et Al (2011). *Asbestos Disaster Lessons from Japan's Experience*, London/New York: Springer Tokyo Dordrecht Heidelberg.
 19. Salvatori, L. et Al. (2003). *Asbestos: The current situation in Europe*. London: ASTIN Colloquium.
 20. Schwartz, V.E. & Lorber, L. (2000). A Letter to the Nation's Trial Judges: How the Focus on Efficiency Is Hurting You and Innocent Victims in Asbestos Liability Cases. *AM. J. TRIAL ADVOC.* 24. 247-258.
 21. Schwartz, V.E. & Tedesco, R.M. (2001). The Law of Unintended Consequences in Asbestos Litigation: How Efforts to Streamline the Litigation Have Fueled More Claims. *Miss. L.J.* 71. 531-547.
 22. Shulman v Brenntag N. Am., Inc. Docket Number: 190025/2017 Supreme Court, New York County. November 19, 2018.
 23. Sobczak, F. (2013). *Liability for Asbestos - Related Injuries*. Doctoral Thesis. Datawyse. Universitaire Pers Maastricht.
 24. Stapleton, J. (2009). The Two Explosive Proof-of-Causation Doctrines Central to Asbestos Claims. *Brooklyn Law Review*. 74 (3). 1013.
 25. Wasserman, S.D. et Al. (2007). Asbestos Litigation in California: Can it Change for the Better? *PEPP. L. Rev.* 34 (4). 883-925.
 26. White, M.J. (2003). UCSD and NBER, Understanding the Asbestos Crisis, *Department of Economics University of California*. 1-31.
 27. White, M.J. (2004). Asbestos and the Future of Mass Torts. *Journal of Economic Perspectives*. 18 (2). 183-204.